

یادی از سید فقیهان

سردبیر

قال رسول الله (ص): فقیه واحد اشد علی ابلیس من الف عابد: یک فقیه بر ابلیس از هزار عابد، سخت تر و کوبنده تر است.

عالمان، وارثان پیامبران و ناشران حق و حقیقت هستند. فقیهان، حاملان حقایق دین، نگهبانان معارف کتاب مبین و مرزداران حاضریراق، هوشمند و سختکوش اندیشه دینی و اسلامی هستند که راهیان حق را به اهداف الهی رهنمون می شوند.

عالمان و متفکران شیعی که «در سایه سار نخل تنومند ثقلین»، با معارف آفتابگون و آموزه های سپیدی آفرین و حقایق خورشیددوش، قرآنی نبوی و ولوی آشنا گشته اند و جان را از زلال چشمه ساران «قرآن و سنت»، سیراب ساخته اند، بر اساس سخن جاودانه صادق آل محمد (ع)، مرزداران هوشیار و حاضریراق مرزهای تفکر و اندیشه هستند که خلاءها را می شناسند، نیازها را درک می کنند، دشمن آگاهند و باطل ستیز. بدین سان از اینکه «شیطان» و «هم پیمانان» او بر ساحت قدسی دین یورش ببرند، جلو می گیرند و توطئه های حق ستیزانه آنان را نقش بر آب می کنند و با چهره نمایی از «حق و باطل» و روشنگری سره از ناسره و عرضه شایسته مکتب می کوشند با ایجاد سدی پولادین و گسترش آگاهی، نگذارند جهل گستران و تزویرگرایان با آلوده سازی فضای فکری، «باطل را حق جلوه دهند» و برای ناآگاهان «گندم نمایی و جو فروشی» کنند.

بنگرید:

الامام الصادق (ع) فیما رواه الامام العسکری: علماء شیعتنا مُرابطون فی الثغر الذی یلی ابلیس وعفاریته، یمنعونهم عن الخروج علی ضُعفاء شیعتنا و عن أن یتسط علیهم ابلیس وشیعته النواصب. ألا! فمن

انتصب لذلك من شیعتنا کان أفضل ممن جاهد الروم و... الف الف مرّة لانه یدفع عن ادیان محبینا، وذلك یدفع عن ابدانهم.

امام صادق (ع) به روایت امام عسگری (ع): علمای شیعه، مرزداران مرزهایی هستند که ابلیس و عفريت های او از آنها حمله می کنند. آنان سپاه ابلیس را از هجوم بردن بر ناتوانان شیعه باز می دارند و از چیره شدن ابلیس و پیروان دشمن خوی او برایشان جلوگیری می کنند. آگاه باشید، هرکس از شیعه ما خود را به این مرزداری برگمارد، مقامش از کسانی که با رومیان جهاد کردند، هزار هزار بار بالاتر است، بدان جهت که این مرزدار، از دین دوستان دفاع می کند، در صورتی که آنان از بدن ایشان دفاع می کنند.

سلسله منور فقیهان شیعه، راست قامتان جاوید پهنه فقه و فقاقت و بلندهمتان نستوه و تلاشگران خستگی ناپذیر آوردگاه «حق و باطل» و آرمان گرایان واقع نگری هستند که به تفسیر آفتاب می پردازند و با تبیین آموزه های دین و تشییه مبانی آیین مبین، مسیر حرکت را برای انسان های مؤمن هموار می سازند تا در چنگال جهل گستران گرفتار نیابند و در دامگه گمراهی فرو نغلتند. آنان به راستی وارثان «پیامبران» اند و مگر نه این است که پیامبران به جامعه «حیات» می بخشند، حیات الهی - انسانی و آنان را از جهالت که بزرگ ترین مرگ هاست می رهانند. عالمان و فقیهان نیز چنین اند. آنان نیز چونان پیامبران با نشر حق و حقیقت و گسترش فضل و فضیلت و ستردن جهل و جهالت، جامعه را به حیات معنوی رهنمون می شوند.

تاریخ همواره آوردگاه اندیشه ها، مکتب ها و میدان اندیشه ورزی، تئوری پردازی، جریان سازی و عرضه افکار بوده و هست. صفا آرایی «حق و باطل» همیشگی است. «شیاطین» و «مستکبران» که تجلی

فقیه ژرف‌اندیش، عالمی پاکیزه‌خوی، مجتهدی باریک‌نگر و استواراندیش، سیاستمداری معادباور و دنیاگریز، آیت‌الله العظمی سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی. نمونه‌های الایبی از تبار فقیهان، زاهدان و ارجمندان پاکیزه‌خوی و پیراسته‌جان و برنادل که در ذهن و زبان و بیان و بنان خداجوی بود و حقیقت‌پوی و در عبیت زندگی حق‌گستر و باطل‌ستیز.

در این سطور اندک که به یمن برگزاری کنگره‌ای در شناخت و شناساندن ابعاد وجودی آن عزیز، بر خامه می‌رود، بی‌گمان نمی‌توان آن فقیه سترگ را بر نمود. ابعاد وجودی آن عالم عامل خداجوی معادباور دنیاگریز، حقاً و انصافاً «بحری است که نکتجد اندر کوزه‌ای».

او فقیهی بود بلندهمت؛ از آن جمله «قله‌پویان» که به بلندی‌ها و والایی می‌اندیشند و خود را به عناوین پوچ مشغول نمی‌دارند و زندگی را به چه و چه‌های خردنگرانه نمی‌آیند. از آن‌گونه کسان بود که می‌دانست رسیدن به قله‌ها و نشستن بر جایگاه بلند «دانش و ارجمندی»، پنجه در پنجه دشواری‌ها انداختن و از صحنه‌های هول‌انگیز نهراسیدن را می‌طلبید و از این‌روی در بیان و بنانش جاری بود که: بلوغ الامال برکوب الاهوال.

زندگی او نشانگر این حقیقت است و اندیشیدن در فراز و فرود حیات آموزشی و علمی و استادی و فقهاتی آن چهره منور، بهترین دلیل این حقیقت نگرشی بدین سان بلند، چشم‌اندازی فراخ و آرمانی والا و سختکوشی می‌خواهد و پشتکار خستگی‌ناپذیری می‌طلبد و استوارگامی. به این خاطر لطیف از عالمی بزرگ که می‌تواند گوشه‌ای از این خستگی‌ناپذیری را رقم زند بنگریم:

خدمت آقا سیدمحمدکاظم یزدی بودم. دوات بزرگی در مقابل وی بود. رو به پسرش سید محمود کرد و گفت سید محمود این دوات را پراز مرکب کن. گفت: آقا من دیروز عصر این دوات را مرکب کردم. با لهجه غلیظ یزدی فرمودند:

- چه کنم محمود! محمدکاظم مرض نوشتن دره (علی ابوالحسنی مندر؛ فراتر از روش، آزمون و خطا؛ ص ۱۵۷)

پیش‌تر آوردیم که زندگی آوردگاه همواره و پایان‌ناپذیر رویارویی «حق و باطل» است. در این هنگامه سترگ - به ویژه کسانی مسئولیت هدایت جامعه را بدوش دارند - باید زمان‌شناس باشند و آگاه از جاری‌های زمان. از تیزهوشی و باریک‌نگری برخوردار باشند، بدان‌سان که اگر همگان «ابرو را می‌بینند»، او «اشارات‌های ابرو» را ردیابد و اگر کسان بسیاری در چشم‌نوازی «مو» مانده‌اند، او از ظاهر بگذرد و به «پپچش مو» درنگرد. دشمن را بشناسد، توطئه‌هایش را دریابد، بداند که شاید در این «شربت گوارایی» که فرمایش آورده است، «شرنگ» جگرسوز عزت بریاددهی نهفته باشد و سید چنین بود

اندیشه شیطانی هستند، زورمداران، زراندوزان و تزویرگرایان، همواره می‌کوشند تا مگر تالو حق را بزداوند و پرتوافکنی حق را جلو گیرند در چنین هنگامه شگرف و میدان گسترده، این فقیهان، عالمان و مفسران هستند که با ژرف‌اندیشی و برنادلی و غیرت دینی در جهت حمایت از اندیشه دینی و تفسیر شایسته و بایسته مکتب و حضور هوشمندانه در میدان، از بام تا شام می‌کوشند و چشمه‌ساران زلال اندیشه را به سرزمین تفتیده جستجوگران حق می‌گسترانند، جهل را می‌زدایند و از اینکه باطل دامن گسترده، جلو می‌گیرند. آگاهی را می‌گسترانند تا در تاریخ‌کار یخزده زندگی انسان‌های افتاده درکمند، نور و نشور بیافرینند. مرگ حقیقی و عزت‌شکن (= جهل) را بزداوند و حیات طیبیه را که زندگی آمیخته با ایمان، خردورزی و آگاهی است رقم زنند. بازهم به آموزه‌های معصومان بنگریم:

الامام الجواد(ع): یا اخی! ان الله عزوجل، جعل فی کل من الرسل بقایا من اهل العلم، یدعون من ضلّ الی الهدی، و یصبرون معهم علی الاذی، یجیبون داعی الله، و یدعون الی الله، فأبصرهم! - رحمک الله - فانهم فی منزله رفیعة، وان اصابتهم فی الدنیا وضیعة؛ انهم یحیون بکتابالله الموتی، و یصبرون بنورالله من العمی، کم من قتیل لابلیس قد احیوه، و کم من تائتة ضال قد هدوه، یدذلون دماءهم دون هلكة العباد. و ما احسن اثرهم علی العباد، وأقبح آثار العباد علیهم.

امام جواد(ع): ای برادر! خدای متعال در (امت) هریک از پیامبران، تنی چند از عالمان قرار داد تا گمراهان را به راه آورند و با مردم در تحمل آزاد مخالفان همراه باشند و فریادگر الهی را پاسخ گویند و مردمان را به خدا بخوانند. پس - خدا تو را رحمت کند - خوب به ایشان بنگر و (آنان را بشناس) که جایگاهی بلند دارند، با اینکه کیفیت زندگی دنیایی آنان ناچیز است. ایشان با کتاب خدا مردگان را زنده می‌کنند و با روشنی خدایی کوران را بینا می‌سازند؛ چه بسیار کشته‌های ابلیس که به دست ایشان زنده شده و چه بسیار گمراهان و سرگردانان که به وسیله ایشان راه یافته‌اند. آنان خون خود را برای جلوگیری از هلاک بندگان می‌دهند. اثر ایشان در بندگان چه نیکو است و آثار بندگان بر ایشان چه زشت!

اکنون و از سر تأمل بنگرید که «حضرت جواد(ع)» چگونه «گمراهی» و «راه‌نشناختگی» را مرگ و نابینایی تلقی کرده است و از سوی دیگر هدایت انسان به صراط مستقیم و رهانیدن مردمان از کمند شیطان صفتان و ابلیس منشان و تیره‌جانان را «حیات و بینایی» دانسته است. آنچه آوردیم و سخن در این زمینه بسیار درازدامن تواند بود، به یمن یادی است و «ذکر جمیلی» از فقیهی بلند پایه، عالمی بزرگ و متفکری اثرگذار که در مقابل توطئه دشمنان، چونان «سد سکندر» بود و در برابر طالب عالمان و فرودستان «خاکساری خدایی».

و در گسترده فروع فقهی کم نظیر است و مولف در حسن سلیقه، گزینش و شیوه پردازش، چیرگی عظیمی داشته است؛ اما این همه بخشی از عوامل حضور گسترده این کتاب است و نه همه آن. اخلاص، پیراسته جانی، خدانگری و برای خدا حکم زدن است که این کتاب «دستاویزی استوار» برای فقیهان شده است، سفره‌ای بس گسترده و چشمه‌ساری زلال و همه‌جوشان که صدها فقیه را به هدف رساند و عطش فقیهانه‌شان نشاند است. باری رسیدن به قله‌های شرف، رادی، پاک، نیکی جز با اخلاص و یکتانگری فراچنگ نخواهد آمد. بنگریم که پیشوای «مخلصان» و جلوه‌والای «مخلصان» امیرمؤمنان می‌فرماید:

من اخلص بلغ الامال: آنکه اخلاص پیشتر کند، آرمان‌ها و آرزوها را فراچنگ آرد. (غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۴۱).

و فرمود: اخلص تنل: برای دستیابی به پاداش، اخلاص پیشه کن (غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۷۲)

اما روشن است که دستیابی به جایگاهی چنین بلند و قله‌ای بدین سان افرشته، نیازمند نگاهی است فراخ و همتی بلند و پیراستگی از همه وابستگی‌ها تا کبوتر سپیدبال جان تا فراسوی «علقه‌ها و علاقه‌ها» به پرواز درآید و در «وادی ایمن خلوص» بنشیند. در این رهنمود ارجمند آن سید فقیهان تأمل کنید: من أنفس الاخلاق قطع العلقه عن الاعلاق

سید خود چنین بود. «یکی» را می‌دید و نه «بیشتر». برای «او» می‌نوشت و نه جز آن و چنین‌اند و بودند بزرگان، قله‌پویان، فقیهان، عالمان، مریبان و پاکیزه‌خویان پیراسته دل، ژرف‌اندیشان استوارانندیش، راست قامتان پولادین گام، معادباوران کوه‌وش و آخرت‌اندیشان دنیاگریز و سید ما یکی از برترین مصادیق اینهمه.

و اکنون بر طالب علمان و جستجوگران دانش است که ره چنان روند که این ره‌آشنایان دیان و قدسیان رفتند و نه فلمثل هذا فلیعمل العاملون.

سلام بر پدیدآورنده «برترین و استوارترین دستاویز فقه و فقهات، سید استادان و فقیهان آیت‌الله سیدمحمدکاظم یزدی. سلام بر جان پاک، خوی پاکیزه و قلب آکنده از عشق الهی او».

و فرجامین سخن سپاس است از خداوند کارساز بنده‌نواز که توفیق را رفیق ساخت تا بنیان «آینه پژوهش» برای عرض ادبی، گرچه بسیار خُرد، به پیشگاه فقه و فقهات و دانش و فضیلت، این شماره را چونان «یادنامه‌ای» برای یاد و نام بلند او فراز آورند و به همه فاضلانی که با قدمی و قلمی به این مجموعه یاری رساندند و کوشندگان این «کنگره» که برای تکریم دانش، پژوهش علم و عالمان این بنای رفیع را رقم زدند، دست مریزاد گویند و توفیق همگان را از خداوند منان خواستار شوند.

والله من وراء القصد

که توانست در ظاهر عرضه احترام‌آمیز پولی کلان از سوی انگلستان با عنوان وصیت «شیعه» رحلت کرده که اموالش را به «ملکه» انگلیس سپرده است تا به پیشوای شیعیان برساند و او به نیازمندان شیعه، هوشمندانه دست توطئه را بخواند و بگوید:

«شیعیان احتیاجی به آن مال و پول ندارند. به ملکه بگویید آن را به پاپ رهبر خودشان بدهد تا بین مسیحیان و کشیشان تقسیم کنند! (علی ابوالحسنی منذر؛ فراتراز روش، آزمون و خطا، ص ۲۵۵ و نیز بنگرید به ص ۲۴۴ به بعد)

انبوهی از نامه‌ها، مکتوبات، فتاوی درباره امور جاری آن زمان به ویژه مسائل اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که «سید فقیهان» چگونه بر جاری‌های زمان اشراف داشته و از پس جریان‌ها اعماق حوادث را می‌خوانده است.

از اندیشه ژرف، فقهات ارجمند، اشراف او ابه ابعاد گسترده فقه، تأملات شگرف فقهی و اصولی، عبودیت و خاکساری در پیشگاه خداوند، تسلیم و توکل، تحمل فقر و ناداری به هنگام تحصیل، غیرت دینی و سوز حق‌مداری و دین‌گرایی، زهد و دنیاگریزی، همت بلند و والا، مردم‌گرایی و حمایت از مظلومان، پارسایی و روشن‌اندیشی، شاگردپروری و دانش‌گستری، توجه به شکوه و شوکت دین و جامعه دینی آن بزرگوار در این فرصت اندک نمی‌شود، سخن به میان آورد.

خوشبختانه اثر ارجمند زنده‌یاد علی ابوالحسنی «منذر»، مورخ سختکوش غیرتمند در این باب خواندنی، تنبه‌آفرین و شایسته بهره‌گیری است (فراتراز روش، آزمون و خطا: زمان و کارنامه آیت‌الله العظمی آقا سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی صاحب عروه). اما در این نگاه گذرا و ارزیابی شتابزده و در پایان سخن از یک حقیقت سترگ نمی‌توانم سخن نگویم:

اخلاص:

زندگی را از یاد خدا آکندن، کار و تلاش را برای خدا و در جهت خدا و با درونمایه الهی رقم زدن، درفرآیند شکل‌گیری آثار و کار و نیز در برآیند آن فقط و فقط خدا را در نظر گرفتن، کاری است کارستان؛ اما اگر شکل گیرد و درعینیت زندگی تحقق یابد، آن‌گاه بلندآوازی دستیابی به هدف لازمه آن خواهد بود. به پندار این بنده در گسترده‌ی «ذکر جمیل» برخی از آثار افزون بر دانستن امتیازها و بایستگی‌ها، پشتوانه اخلاص مهم‌ترین عامل نشستن آثار بر جایگاهی بلند و دست‌یافتن کارها به اهداف است.

یکی بنگریم که به مثل این همه حضور، بلندآوازی، جایگاه و پایگاه «مفاتیح الجنان»، نتیجه روشنی از «اخلاص» است که در ذهن و زبان و جان و ضمیر محدث امین و مورخ صادق، حاج شیخ عباس قمی بوده است. باری «عروة الوثقی» بیانی شیوا، تعبیرهایی رسا، عباراتی روان دارد